

نفوذ شوک‌های نظامی به ساختار قیمت‌ها در بازه ۱۴۰۴ تا ۱۴۰۵

بوی باروت بر تن سفره



کیمیا ملکی: یک سال، ۲ جنگ و یک عدد که نباید از کنارش ساده گذشت: ۸۹ درصد. این خلاصه ماجرای تورم است از مرداد پارسال تا مرداد امسال؛ شاخص کل قیمت مصرف‌کننده در این یک سال نزدیک به ۹۰ درصد جهش کرده و این یعنی تک به تک کالاهایی که خریداری می‌شود تقریباً ۲ برابر شده‌اند. این درست ردپای ۲ جنگ وسط سفره است که اقتصاد ایران را در ۲ نوبت لرزاند، یکی در خرداد ۱۴۰۴ و دیگری از اسفند ۱۴۰۴ تا همین لحظه محاصره تنگه هرمز ادامه دارد. هر بار دلار جهید، زنجیره‌ی تامین پاره شد و سفره‌ها کوچک‌تر شدند.

در همین رابطه‌گذاری داشتیم به تازه‌ترین گزارش مرکز آمار که می‌گوید تورم سالانه به ۶۹.۹ درصد و تورم سالانه خوراکی‌ها به ۱۰۳.۷ درصد رسیده است. این گزارش از صمت روایت یک سال «تورم جنگی» است؛ عددی که پشتش جنگ، دلار و سفره‌های مردم خوابیده است.

قیمت‌ها در یک سال تقریباً ۲ برابر شدند

مرکز آمار هر ماه ۳ عدد گزارش می‌کند که هر ۳ در جدول مرداد ۱۴۰۵ بی‌سابقه‌اند. نخست، تورم ماهانه: ۳.۴ درصد؛ یعنی فقط در یک ماه، سبد خانوار ایرانی به‌طور متوسط ۳.۴ درصد گران شده است. دوم، تورم نقطه‌به‌نقطه: ۸۹ درصد؛ یعنی قیمت سبد در مرداد امسال نسبت به مرداد پارسال ۸۹ درصد بالاتر است. و سوم تورم سالانه: ۶۹.۹ درصد؛ یعنی میانگین رشد قیمت‌ها در ۱۲ ماه منتهی به مرداد نزدیک به ۷۰ درصد بوده است. هر ۳ عدد، هر کدام به زبان خودشان، یک چیز می‌گویند: تورم از کنترل خارج شده است. البته مقایسه نقطه‌به‌نقطه گویاتر از همه است. در مرداد ۱۴۰۴، تورم نقطه‌به‌نقطه هنوز در محدوده حدوداً ۴۰ درصد بود که حالا به ۸۹ درصد رسیده است. در حقیقت سرعت گرانی در طول یک سال بیش از ۲ برابر شده است. این یعنی آنچه در مرداد ۱۴۰۴ یک تورم بالا نامیده می‌شد حال در مقایسه با وضعیت امروز یک روزگار به‌نسبت آرام به حساب می‌آید. تورم سالانه نیز همین مسیر را رفته و از کانال ۳۰ و ۴۰ درصد به مرز ۷۰ درصد رسیده است. اما شاید مهم‌تر از خود اعداد، ساختارشان باشد. وقتی تورم ماهانه هنوز ۳.۴ درصد است یعنی موتور گرانی خاموش نشده؛ حتی بعد از آتش‌بس اواخر خرداد و برداشته شدن محاصره که البته تنها مدت کوتاهی ماندگار بود، قیمت‌ها همچنان با شتاب پیش می‌روند. این همان نکته تلخ اقتصاد تورم است: تورم مثل آتشی است که بعد از خاموش شدن شعله، خاکسترش تا مدت‌ها داغ می‌ماند. جنگی که از بعد نظامی مدت‌هاست به سکوتی موقت رسیده، آثاری به‌جا گذاشته که ماه‌ها بعد از صلح هم در قبض آب و برق و رسید خرید خودش را نشان می‌دهد.

وقتی روغن ۲۵۸ درصد گران می‌شود

هیچ‌جای جدول مرداد ۱۴۰۵ به اندازه‌ی بخش خوراکی‌ها دردناک نیست. تورم نقطه‌به‌نقطه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها ۱۲۷.۵ درصد و تورم سالانه‌شان ۱۰۳.۷ درصد است؛ یعنی قیمت غذا در یک سال بیش از ۲ برابر شده است. برای دهک‌های کم‌درآمد که بیش از نیمی از درآمدشان صرف خوراک می‌شود، این عدد یعنی فاجعه!



جنگی که درب خانه‌ها را قفل کرد

این یعنی آمار خوش اجاره، بیش از آنکه خبر از ارزانی بدهد، نشانگر توقف حیات بازار است؛ خانه‌ای که معامله نمی‌شود، قیمتش نیز ثبت نمی‌شود اما در دل همین بخش، یک خط قرمز جدول پنهان است: زیرگروه آب، برق و سوخت با تورم نقطه‌به‌نقطه‌ی ۱۱۸.۴ درصد و تورم سالانه‌ی ۹۱.۶ درصد، به‌شدت ملتهب است و فقط در مرداد ۸.۴ درصد گران شده است. این یعنی اصلاح قیمت حامل‌های انرژی درست وسط جنگ، هزینه‌ی زندگی را بر دوش همان خانوارهایی گذاشته که تازه از شوک دلار و غذا جان بدر برده‌اند. به زبان ساده خانه‌گران نشده اما قبض برق و گاز گران شده و این برای یک خانوار تفاوت چندانی با گران شدن خود خانه ندارد.

در میانه این تورم، بخش مسکن یک استثنای عجیب و آموزنده است. تورم نقطه‌به‌نقطه‌ی بخش مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها فقط ۳۷.۲ درصد است و تورم اجاره ۳۱.۸ درصد یعنی مسکن و اجاره از شاخص کل ۸۹ درصدی بسیار پایین‌تر مانده‌اند. در اقتصادی که همه‌چیز ۲ برابر شده، خانه کمتر از همه گران شده است. این پارادوکس، امضا اقتصاد جنگ است. ماجرا از این قرار است که جنگ، بازار مسکن را منجمد کرد. با شروع تنش‌ها، معاملات مسکن در شهرهای بزرگ به‌شدت سقوط کرد و در مقاطعی تا ۷۵ درصد کاهش یافت؛ خریدار به‌خاطر بی‌ثباتی عقب کشید و فروشنده به‌خاطر انتظار گرانی، قیمت را نگه داشت. نتیجه نیز بازاری شد که در آن قیمت اسمی چندان بالا نرفته اما عملاً هیچ معامله‌ای انجام نمی‌شود.

دلار، ضربان جنگ

هر تورمی در ایران یک نبض دارد و آن دلار است. ۲ جنگ اخیر این واقعیت را بار دیگر ثابت کرد: وقتی خبر جنگ می‌رسد، اولین جایی که واکنش نشان می‌دهد بازار ارز است و بقیه اقتصاد با تاخیر دنبالش راه می‌افتد.

در شوک اول، معاملات غیررسمی دلار جهشی صعود کرد و صراف‌ها موقتاً از فروش دست کشیدند؛ در شوک دوم، دلار به محدوده‌ی ۱۸۰ هزار تومان رسید و قدرت خرید دستمزد کارگران را نصف کرد. تتر، به‌عنوان دلار غیررسمی و بدون دردسر، به پناهگاه سرمایه‌های کوچک تبدیل شد و طلا و سکه هم با جهش قیمت عملاً پیام دادند که ریال در حال از دست دادن اعتبار است. در این میان، یک واقعیت ناخوشایند آماری نیز وجود دارد: تورم، همه را یکسان نمی‌زند. جدول مرداد ۱۴۰۵ نشان می‌دهد بار سنگین‌تر روی دوش اقشاری است که سبد مصرفی‌شان پر از خوراکی است. دهک‌های کم‌درآمد بیش از نیمی از درآمدشان را صرف خوراک می‌کنند و تورم خوراکی‌ها ۱۲۷.۵ درصد است؛ یعنی تورم مؤثر برای یک خانواده فقیر، نه ۸۹ درصد که بسیار بالاتر است. در مقابل، خانوارهای پردرآمد که سهم مسکن و خدمات در سبدشان بیشتر است و مسکن هم به‌خاطر انجماد بازار کمترین تورم را دارد، فشار کمتری حس می‌کنند. حمل‌ونقل با ۱۰۴.۸ درصد، سلامت با ۸۷.۶ درصد و ارتباطات با جهش ماهانه‌ی ۶.۷ درصد در مرداد، بقیه سبد را هم تحت فشار گذاشته‌اند. به این ترتیب، مالیات جنگ را نه کسانی که جنگ را شروع کردند بلکه همان‌ها می‌پردازند که سفره‌شان کوچک‌تر از همه است.

جنگ چگونه تورم می‌شود؟

برای اینکه بفهمیم چرا ۲ جنگ این‌قدر تورم ساختند، باید مسیر نشست جنگ به قیمت‌ها را دنبال کنیم. جنگ مستقیم که برچسب قیمت عوض نمی‌کند؛ جنگ از ۴ کانال وارد سفره مردم می‌شود و این ۲ کانال در ۲ سال اخیر یکی‌یکی فعال شدند.

کانال اول، ارز است. در شوک اول خرداد ۱۴۰۴، دلار آزاد به کریدور ۹۰ تا ۹۴ هزار تومان پرید؛ در موج دوم که از اسفند ۱۴۰۴ آغاز شد، دلار سقف‌های تاریخی جدیدی ساخت و در اردیبهشت ۱۴۰۵ به محدوده‌ی ۱۸۰ هزار تومان رسید و اکنون قله‌هایی بیش از ۲۲۰ هزار تومان را فتح می‌کند.

وقتی نهاده اصلی اقتصاد ایران یعنی دلار جهش می‌کند، قیمت هر چیزی که به واردات، مواد اولیه یا انتظارات گره خورده، با تاخیر اما حتماً بالا می‌رود. کانال دوم، زنجیره‌ی تامین است: محاصره تنگه هرمز و قطع مسیرهای تجاری، صادرات نفت ایران را از حدود ۱.۸۵ میلیون بشکه در روز به نزدیک ۵۶۷ هزار بشکه سقوط داد و ورود کالا را کند و گران کرد. کانال سوم، انرژی و زیرساخت است: حمله قطعی‌های مکرر، هزینه تولید و حمل‌ونقل را بالا برد و کانال چهارم، انتظارات است؛ وقتی مردم و بنگاه‌ها باور کنند جنگ ادامه دارد، خرید هیجانی و احتکار، خودش قیمت‌ساز می‌شود.

برآوردهای رسمی، خسارت مستقیم و غیرمستقیم این ۲ جنگ را حدود ۲۷۰ میلیارد دلار یعنی نزدیک ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی پیش از جنگ تخمین زده‌اند. این عدد مقیاس فاجعه را نشان می‌دهد: جنگی که خسارتش معادل بیش از نیمی از کل اقتصاد یک کشور است، طبیعتاً نمی‌تواند اثرش را فقط در میدان نبرد بگذارد؛ اثرش در قیمت نان، روغن و اجاره‌خانه خودش را نشان می‌دهد.

زخم‌هایی که با آتش بس خوب نمی‌شوند

آتش‌بس اواخر خرداد و برداشته شدن محاصره در ۲۸ خرداد ۱۴۰۵ به جنگ موقتاً پایان داد اما باز هم پس از گذشت چند روز محاصره مجدداً آغاز شد. نگاهی به تورم ماهانه‌ی مرداد ۱۴۰۵ یعنی ۲ ماه بعد از اتفاقی که نمی‌توان نام آن را آتش بس گذاشت، گویای همه‌چیز است: شاخص کل ۳.۴ درصد، خوراکی‌ها ۳.۶ درصد، سبزیجات ۹.۳ درصد، شیر و لبنیات ۸.۶ درصد، آب و برق و سوخت ۸.۴ درصد و ارتباطات ۶.۷ درصد. این اعداد یعنی موتور تورم حتی بعد از پایان جنگ هم با دور بالا کار می‌کند. چرا؟ چون جنگ ۳ چیز را به‌طور ساختاری خراب کرده که برگشتنی سریع نیست: اول، نرخ ارز که در کریدورهای جدید لنگر انداخته و همه‌ی قیمت‌های وارداتی را با خود بالا کشیده؛ دوم، ظرفیت تولید و زیرساخت‌ها که آسیب دیده و هنوز ترمیم نشده و سوم مهم‌تر از همه انتظارات تورمی مردم که حالا به زندگی با گرانی عادت کرده است. تجربه تاریخی نیز همین را می‌گوید: در اقتصادهایی که شوک جنگی دیده‌اند، تورم معمولاً دیرتر از خود جنگ به اوج می‌رسد. قیمت‌ها یک‌باره بالا نمی‌روند؛ موج‌وار از ارز به مواد اولیه، از مواد اولیه به تولیدکننده و از تولیدکننده به مصرف‌کننده منتقل می‌شوند. بخشی از تورم مرداد ۱۴۰۵ در واقع قبض شوک‌های اسفند و فروردین است که حالا تازه به دست مصرف‌کننده رسیده، تا وقتی این موج‌ها تمام نشوند و تا وقتی ارز و انرژی و زنجیره‌ی تأمین به ثبات نبرگردند، نمی‌توان انتظار داشت عدد ۸۹ درصد به این زودی‌ها پایین بیاید. جنگ تمام شد اما تورم جنگی هنوز تمام نشده است.

سخن پایانی

عدد ۸۹ درصد حکایت یک سال از زندگی مردم است. حکایت سفره‌ای که در آن گوشت و لبنیات به کالای تجملی بدل شده، روغنی که ۳.۵ برابر گران شده و قبض برقی که هر ماه سنگین‌تر می‌رسد. ۲ جنگی که در یک سال تجربه شد، نشان داد جنگ فقط در میدان کشته نمی‌دهد؛ در سفره‌ها، در قفسه‌های خالی فروشگاه‌ها و در جیب‌های خالی مردم هم تلفات می‌گیرد. شاید مهم‌ترین درس این یک سال آن باشد که اقتصاد ایران دیگر طاقت شوک دیگری ندارد؛ نه در میدان جنگ و نه در تصمیم‌های اقتصادی. تورمی که به ۸۹ درصد رسیده، ترمیم‌پذیر است اما به شرطی که ثبات برگردد، ارز مهار شود و دست‌کم دیگر شوک تازه‌ای به زنجیره تامین و سفره‌ی مردم وارد نشود تا آن روز مردم همچنان قیوض این جنگ را ماه‌به‌ماه پرداخت خواهند کرد.